

معرفی کتاب جوهره تلمود

باقر طالبی دارابی

جوهره تلمود، (The Essential Talmud)، به عبری: (Kolha - Talmud - la)، مؤلف: آدین اشتاین سالتز، (Adin Steinsaltz) مترجم انگلیسی: چایا گالایی، (Chaya Galai) نوبت چاپ: سوم، ناشر: publisher Basic Books Inc 296، ص. رقی.

مقدمه

تلمود اثری بزرگ و پراهمیت است که از زمان تدوین آن در اواخر قرن پنجم میلادی تاکنون، محورمباحثات گوناگونی بوده است. ادبیات تلمودی میراث پرمایه شریعت یهودی است. در آثاردین پژوهان، هر جا که سخن از یهودیت می‌رود، نقبی به آن گنجینه‌ای عظیم نیز زده می‌شود. اصطلاحاتی چون سنت‌حاکمی⁽¹⁾، و یا یهودیت تلمودی⁽³⁾ همه از رویکردی حکایت می‌کنند که مبنای اصلی آن تلمود و اندیشه آفرینندگان آن است. بی‌شک شناخت این اثر نه تنها به فهم هر چه بیشتر آیین یهود کمک می‌کند، که دست‌مایه‌های ارزشمندی را نیز در اختیار مامی‌گذار که می‌توان در مطالعات تطبیقی با سنت فقهی اسلامی به کار گرفت و به بررسی احتمال تعامل این دو سنت پرداخت. در مباحثی نظیر اصیل یا اعتباری بودن فقه اسلامی یکی از فرض‌های تحقیق، تعامل و حتی بهره‌گیری فقه اسلامی از سنت شفاهی یهود به ویژه رویکرد تلمودی است. اگر بخواهیم در نفی یا اثبات این نظریه سخن بگوییم، ناگزیر از شناخت تلمود هستیم. پیش‌تر نگارنده باهمین دل‌مشغولی به معرفی اجمالی تلمود در شماره دوم مجله هفت آسمان پرداخت. در این شماره به بهانه معرفی یک کتاب در همین زمینه نقبی به محتوای مجموعه عظیم تلمود می‌زند.

مؤلف این کتاب، آدین اشتاین سالتز، در سال 1937 در یک خانواده غیرمذهبی در روسیه به دنیا آمد. تحصیلات رسمی او در رشته ریاضیات است و در کنار آن به مطالعات حاخامی پرداخت. در بیست و سه سالگی ریاست یک دبیرستان را در فلسطین‌اشغالی به عهده گرفت که جوان‌ترین رئیس دبیرستان محسوب می‌شد. امروزه شخصیتی جهانی و از حاخام‌ها و رهبران فکری جامعه یهودیان به حساب می‌آید. باتاسیس مؤسسه چاپ و نشر تلمود، تاکنون بیش از 58 عنوان کتاب در زمینه تلمود، تفکر عرفانی یهود، جامعه‌شناسی، شخصیت‌شناسی تاریخی و فلسفی نوشته و به چاپ رسانده است. این کتاب‌ها به زبان‌های مختلف از جمله روسی، انگلیسی، فرانسوی، ژاپنی برگردانده شده‌اند.

آدین اشتاین سالتز در بیشتر نوشته‌هایش دل‌مشغولی خود را نسبت به آینده یهودیان نشان می‌دهد. وی در این راه گام‌های عملی نیز برداشته است. یهودیان شوروی سابق از او به رئیس فرقه در میان خودشان یاد می‌کردند. او سفرهای زیادی به روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته انجام داد و در آن‌جا برای معرفی یهودیت بسیار فعالیت کرد.

شهرت اشتاین‌سالتز بیشتر به شرح و تفسیر و ترجمه‌های او در زمینه تلمود بابلی است، کاری که وی از حدود سی سال قبل آغاز کرده است. حدود پانزده جلد از ترجمه عبری تلمود بابلی وی به چاپ رسیده است و چیزی حدود دو میلیون نسخه آن زیر چاپ است. پیش‌بینی می‌شود که این اثر در دهه آینده در حدود 43 جلد به پایان برسد. ترجمه و تفسیر انگلیسی وی نیز تا کنون در 21 جلد از چاپ خارج شده است. چند جلد از برگردان روسی و چهار جلد از ترجمه فرانسوی تلمود نیز تا کنون عرضه شده است.

از جمله کارهای مهم اشتاین‌سالتز که برای یهودیان روسی انجام داده است، تاسیس دانشگاه یهودی مسکو و دانشگاه یهودی سن پترزبورگ است. در این دو مرکز آموزشی، هر ساله زبان عبری و درس‌هایی درباره زندگی، تاریخ و فلسفه یهودی برای هزاران یهودی روسی تدریس می‌شود. او یک مرکز انتشاراتی نیز در مسکو تاسیس کرد. وی عضو آکادمی علوم روسیه نیز است.

در فلسطین اشغالی، وی ریاست مراکز آموزشی زنجیره‌ای از مقطع مهد کودک تا دبیرستان را بر عهده دارد. در سال 1988 بالاترین نشان افتخار دولت حاکم بر فلسطین اشغالی را کسب کرد.

درباره فعالیت‌های علمی اشتاین‌سالتز در اروپا و آمریکا باید گفت که وی مدتی استاد مقیم دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی بزرگ در این دو منطقه بود. از جمله این مراکز می‌توان به دانشگاه ییل⁽⁴⁾ و دانشگاه پرینستون اشاره کرد. چند سال قبل موفق شد نشان افتخار هنر و ادبیات فرانسه را کسب کند. فعالیت‌های علمی اشتاین‌سالتز در آمریکا را «جامعه الف»⁽⁵⁾ حمایت و پشتیبانی می‌کند.

او هم اکنون در قدس در فلسطین اشغالی ساکن است و از حاخام‌های معتقد به سنت و یهودیت تلمودی است. کتاب جوهره تلمود، که ترجمه فارسی آن در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به دست صاحب این قلم به پایان رسیده است، دارای سه بخش است: تاریخچه، ساختار و محتوا، و روش‌ها. در پایان جدول مقایسه‌ای ابواب و فصول میشنا و تلمود، و نیز نمایه کتاب آمده است.

جهت آشنایی بیشتر دین‌پژوهان گرامی با محتوای کتاب جوهره تلمود، اجمالی از اهم مباحث مطروحه آن را تقدیم می‌کنیم.

بخش اول: تاریخچه

1. تلمود چیست؟

اگر کتاب مقدس شالوده یهودیت باشد، تلمود ستونی است که از فراز بنیادها سربرآورده و عمارت معنوی و عقلانی این دین را تقویت می‌کند. تلمود خلاصه‌ای از شریعت شفاهی⁽⁶⁾ است که طی قرن‌ها تلاش عالمان فلسطین و بابل به بار نشسته است. مجموعه‌ای از قوانین، اسطوره‌ها، فلسفه و آمیزه‌ای از منطق یگانه و عمل‌گرایی ناب، تاریخ، دانش، حکایات و فکاهی، جنگی از مطالب ضد و نقیض اما دارای چارچوبی منظم و منطقی است. تلمود تجسم مفهوم بلند میصوا تلمود توراه⁽⁷⁾، یعنی تکلیف شرعی یادگیری و مطالعه تورات، دانش‌اندوزی و خردورزی است. تلمود در بیشتر موضوعات یعنی هلاخاها، آیات تورات، احادیث و سنت عالمان نگاهی عینی و واقعی دارد.

از آن جایی که تلمود اثری متجانس و یکدست نیست و نویسندگان واحدی آن را نوشته‌است، مباحث و موضوعات پراکنده و متنوعی در آن طرح شده‌اند که بیانگر طیف وسیعی از علایق است. تلمود نتیجه و حاصل تقریر اندیشه‌ها و بیانات تعداد زیادی از عالمان در یک دوره طولانی است، گفته‌ها و نظراتی که ملهم از زندگی و واقعیات آن است.

2. شریعت شفاهی - نسل‌های اولیه

اطلاعات ما درباره خاستگاه‌ها و رشد اولیه شریعت شفاهی بسیار اندک است، اما از کنایات و اشارات متنوع و متعدد کتاب مقدس می‌توانیم دریابیم که چرا شریعت شفاهی برای تفسیر و تکمیل شریعت مکتوب رشد کرد. اصولاً هر قانون مدون و هر نوشته‌ای باید با یک سنت شفاهی همراه باشد؛ وظیفه این سنت شفاهی انتقال معانی لغات، شرح و تفسیر واژگان و اصطلاحات و توضیح و تبیین رسوم عامه و واقعیات حاکم بر جامعه‌زمان نزول است. بنابراین، بایسته بود که این سنت شفاهی در کنار تورات مکتوب باشد و حفظ شود.

با گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر ابلاغ شفاهی، انتقال رسمی شریعت شفاهی به نسل‌های بعدی بایستگی تازه‌ای یافت. در میان نسل‌های اولیه، بعد از نزول وحی در طور سینا، تمامی افراد و جامعه معنی و مقصود هر عبارتی را می‌دانستند و اقدام عملی عمدی و آگاهانه برای تدوین سنت شفاهی امری زاید بود.

در دوره معبد اول، اغلب با عنوان توفسئی تورا⁽⁸⁾ (تورات آموختگان) مواجه می‌شویم که در مطالعه و تفسیر شریعت شرکت داشتند. در دوره معبد دوم، عزرای کاتب اولین کسی است که تاریخ از او به عنوان حکیمی که به مطالعه و شرح تورات و آموزش آن به قوم یهود اقدام کرده است، یاد می‌کند. نام و زمان او طلیعه دوره‌ای است به نام عصر کاتبان، عصری که در تاریخ یهود به دوره کنست گدولا⁽⁹⁾ (دوره مجمع کبیر) معروف است. این دوره تقریباً مقارن است با دوره حاکمیت پارسیان بر سرزمین فلسطین.

از لحظه‌ای که تدوین رسمی تورات به انجام رسید و همه پذیرفتند که این متن، مرجع اصلی و محور باشد و زندگی قوم یهود مطابق آن پی‌ریزی گردد، کاتبان خود را با وظیفه تنظیم شریعت شفاهی مواجه دیدند. ایشان در ابتدا به آن دسته از سنت شفاهی پرداختند که حاوی تفاسیر، آداب و رسوم، سابقه‌ها و رویه‌های قانونی بود. بنابراین، در دوره معبد دوم پایه‌های شریعت یهود بنا نهاده شد و چهره معنوی قوم یهود برای قرن‌های آتی شکل گرفت، دوره بی‌دغدغه و راحتی که در آن تحولات تدریجی و خوش‌ساختی به وجود آمد و دنیای یهود را برای خیزش‌های اجتماعی آینده مهیا می‌ساخت.

3. شریعت شفاهی - عصر زوگوت⁽¹⁰⁾ (جفت‌ها)

عصر زوگوت تا حد زیادی با دوره حاکمیت یونانیان بر سرزمین فلسطین (332 - 140 ق م) و دوره سلسله حشمونیان⁽¹¹⁾ (140 - 37 ق م) و بعد از آن منطبق است. این دوره از لحاظ فرهنگی دوران مقابله است، مقابله با یونانیان سلوکید، مقابله با نفوذ یونانی‌گرایی، مقابله با فرقه‌های مرتد. در این دوره شخصیتی بزرگ و اسطوره‌ای به نام کاهن اعظم شمعون هاصدیق⁽¹²⁾ زندگی می‌کند که بنا به نقلی بازمانده مجمع کبیر است.

پیدایش فرقه‌های دینی مانند حسیدیم⁽¹³⁾ (پارسایان) و قیام اینان علیه حشومنیان و آزادشدن یهودیه و فلسطین، فعال شدن صدوقیم⁽¹⁴⁾ (صدوقیان) که از محافظه‌کاری دینی‌طرفداری می‌کردند و تنها به شریعت مکتوب باور داشتند و پروشیم⁽¹⁵⁾ (فریسیان) که رهبری عامه مردم را به عهده داشتند، از جمله مسائل مربوط به این دوره است.

فعالیت‌های زوجوت و نشر روشمند شریعت‌شفاهی توسط آنها موجب شد تا دانشمندان و عالمان دینی به رهبران قوم یهود مبدل شوند، اگرچه فاقد جایگاه و قدرت سیاسی و حکومتی بودند.

4. تناییم⁽¹⁶⁾ (معلمان)

شروع دوره تناییم همزمان است با آغازین ایام حکومت هیروودیس⁽¹⁷⁾ و دو دانشمند بزرگ، هیلل و شمای. تناییم یعنی کسی که می‌آموزد و آموخته‌هایش را به دیگران انتقال می‌دهد. تناییم جمع عبری است که بر تمامی عالمان این دوره اطلاق می‌شد. مشخصه این دوره، کشف روش‌های نوین در تحقیق بود. از تناهای بزرگ می‌توان از یوحانان بن زکای⁽¹⁸⁾، الیعزر بن هیرکانوس⁽¹⁹⁾، ربی یوشع بن حنیا⁽²⁰⁾ و ربی یوسی‌ها که‌هن⁽²¹⁾ نام برد. بارزترین شخصیت‌های تنایی، هیلل و شمای هستند که دو مکتب فکری هیلل و شمای منسوب به آن دو است.

5. تدوین میشنا

از آن‌جا که شریعت‌شفاهی طی قرن‌ها، از طریق ابلاغ و تعلیم شفاهی از استاد به شاگرد منتقل شده بود، لازم بود که این مجموعه تنظیم و موضوعات آن طبقه‌بندی شود. با افزایش حجم این گفته‌ها و استنباطات و نظریات، به خاطر سپردن آنها، که تا آن زمان متداول بود، غیرممکن شد. این ضرورت حکیمان و عالمان یهود را به تدوین اولیه این مجموعه کشاند که نام آن را میشنا نهادند. مطالب میشنا در شش سدر⁽²²⁾ یا بخش است که برای اولین بار ربی یهودا هناسی⁽²³⁾ ترسیم کرده است. بعد از مرگ وی، تنها اصلاحاتی جزئی و اضافاتی ضروری روی میشنا صورت گرفت. تدوین میشنا حسن ختام دوره تناییم است و در انتهای این دوره، میشنا اثری کامل و مقدس است که در رتبه دوم، بعد از تورات، قرار دارد.

6. آموراییم⁽²⁴⁾ بابل

تدوین میشنا و مرگ ربی یهودا سرآغاز عصری جدید به نام عصر آموراییم بود. آموراییم جمع عبری به معنای «مفسران میشنا» است. از سال 200 ق م تا 500 م حکیمان را آموراییم می‌خواندند. بعد از فوت ربی یهودا دیگر کسی نتوانست جایش را در فلسطین پر کند؛ لذا آمورای بزرگ، ربی ابا بن ایبو⁽²⁵⁾، یک مرکز روحانی در بابل ایجاد کرد.

از آموراییم بزرگ بابل باید از ابا و سموئیل⁽²⁶⁾ یاد کرد که اولین نسل آموراییم آن‌جا رابه وجود آوردند. محور کار این گروه میشنا بود و تلاش می‌کردند تا از طریق نقل منابع از میان میشناهای متفرقه تا آن‌جا که ممکن بود به تحلیلی همه‌جانبه از میشنا دست یازند. اینان را ربی نمی‌خواندند، چون ربی لقبی انتصابی بود و

تنها در فلسطین این انتصاب ممکن بود؛ لذا عنوان راو⁽²⁷⁾ بر آنان اطلاق شد که صرفاً به مقام علمی ایشان اشاره داشت و بر خلاف واژه ربی، بیانگر جایگاه فقهی و هلاخایی آنها نبود. ثمره تلاش اینان به دست ربی آشی⁽²⁸⁾ به جامعه عرضه شد و آن تنظیم و انشای تلمود بابلی، یا، بهتر بگوییم، گمارای بابل است که در شرح و تفسیر می‌شنا پدید آمده بود.

7. آموزاییم فلسطین

اگرچه مرگ ربی یهودا هناسی پایان عصر می‌شنایی را رقم زد، ولی تعلیم و تعلم می‌شنایی چون پلی ارتباطی میان تناییم و آموزاییم باقی ماند. آموزاییم فلسطین، از جمله شخصیتی چون ربی یوحانان، گمارای فلسطینی را پدید آوردند.

8. نگارش تلمود بابلی

تلمود در معرض ویرایش‌های متعددی قرار گرفته و به شکل تلخیص شریعت شفاهی تدوین شده است. با این همه، روش مطالعه و تحقیق حاکم بر دارالعلم‌های بابل را به‌درستی بیان کرده است و باید به آن به چشم یک جزء از زندگی و جوهره تجربه عقلانی نسل‌های پیشین نگاه کرد.

دارالعلم‌های بابل مراکزی هستند که تلمود از روش تحقیق و تحصیل در آنها سخن می‌گوید. می‌شنا در این دارالعلم‌ها به بحث گذاشته می‌شد و حکیمان و عالمان یهودی در حضور شاگردان و گاه در محافل عمومی به شرح و تبیین آنها می‌پرداختند. اصولاً پرسش‌های اساسی درباره هر بخش از می‌شنا عبارت بودند از: راوی این نظریه یا نص کیست؟ شان نزول آن چیست؟ و در لابه‌لای بحث همچنین از اسامی حکیمان و عالمان، ترتیب هجاها و املائی دقیق اسامی آنها، معانی واژگان، تناقضات و تعارضات موجود میان نصوص و مطالب دیگری از این دست بحث می‌شد.

تلمود بابلی مجموعه‌ای از این مباحث در دارالعلم‌های بابل است و گواه ما بر این مدعا این است که در اول اکثر رساله‌های تلمود در بخش‌های مختلف آن، مباحثی مطرح شده‌اند که به دارالعلم‌ها اختصاص دارند.

9. تفسیر تلمود

حتی پیش از آن که کار نگارش تلمود به پایان برسد، کاملاً مشهود بود که این اثر در آینده متن اصلی و منبع اولیه شریعت یهودی خواهد بود. تمام جوامع یهودی نشین این اثر را در میان خود داشتند؛ اما ویرایش غیرمتعارف و نامنظم تلمود، متن آن را دشوار ساخته بود.

در این میان، کسانی، و در راس آنها رؤسای دارالعلم‌ها معروف به گائون‌ها، پا در عرصه تفسیر و شرح تلمود گذاشتند. اینان واژه‌ها و اصطلاحات دشوار را توضیح دادند و به تشریح موضوعات پیچیده پرداختند. در تفسیر، رویکردهای متفاوتی را پیش گرفتند که طی قرن‌ها روشمندتر و مترقی‌تر شد. فرقه‌های گوناگون یهودی، از جمله سفاردی و اشکنازی، تفسیرهای متفاوتی بر تلمود نوشتند. امروزه بهترین روش مطالعه تلمود بهره‌گیری از کتب تفسیری بزرگ و کلاسیک و شرح و توضیحی است که بر خود این تفاسیر نوشته شده است.

10. چاپ تلمود

بعد از تدوین نهایی تلمود، وجود نسخه‌هایی از این اثر کامل جهت تامین اهداف آموزشی دارالعلم‌ها ضرورت یافت. در ابتدا، بسیاری از نسخه‌های تلمود به دست خود طلاب دارالعلم‌ها و از روی مجموعه‌های در دسترس در دارالعلم‌ها نوشته شده بود. با گذشت زمان و اختراع دستگاه‌های چاپ، علی‌رغم مشکلات و سخت‌گیری‌ها، تعداد معدودی نسخه از تلمود به چاپ رسید. در سال 1520 پاپ لئوی دهم اجازه انتشار تلمود را صادر کرد و چاپ اولین نسخه کامل آن در ونیز به اتمام رسید. در نیمه دوم قرن بیستم، با افزایش چاپ‌های گرافیکی تلمود مواجهیم. در این زمان، اختراع صنعت افست موجب شد که متن تلمود دیگر بازبینی نشود و اصلاح و تجدیدنظر، که روزی متداول بود، روی آن واقع نشود و اشتباهات و اغلاط چاپی از نسخه‌ای به نسخه دیگر منتقل شود و باقی‌ماند.

11. توقیف تلمود

تلمود بارها مورد هجوم دستان سانسورگر قرار گرفت. در این میان، مسیحیان ابتدا با توقیف و ممانعت از انتشار تلمود و سپس با اعمال سانسورهای گوناگون در آن، بیشترین سخت‌گیری‌ها را نسبت به تلمود روا داشتند. اگرچه بعضی از محذوفات و موارد سانسور شده در نسخه‌های بعدی بازگردانده شد، اما به خاطر گستره مباحث و تغییرات زیادی که در طی قرن‌ها روی تلمود صورت گرفت، اصلاح تمامی تحریفات، حتی از نسخه‌هایی که انتشار آنها بعد از لغو حکم سانسور بود، غیرممکن شد. البته در نسخه‌های دوره‌های اخیر تلاش شده است تا شکل اصلی متن بازگردانده شود.

بخش دوم: ساختار و محتوا

12. ساختار تلمود

ترتیب مباحث تلمود بابلی و فلسطینی مطابق همان ترتیب می‌شنا است. تلمود نیز مانند می‌شنا از شش بخش تشکیل شده است: بخش زراعی⁽²⁹⁾ در هلاخاهای مربوط به امور کشاورزی و محصولات سرزمین فلسطین؛ بخش موعد⁽³⁰⁾ درباره اعیاد طول یک سال واحکام روز شبات؛ بخش ناشیم⁽³¹⁾ درباره زنان، ازدواج و طلاق؛ درباره خسارات مدنی و کیفری؛ بخش قداشیم⁽³³⁾ درباره احکام معبد و قربانی‌ها و ذبح شرعی، حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت؛ و بخش طهاروت⁽³⁴⁾ درباره احکام مربوط به طهارت و نجاست شرعی.

13. موضوع تلمود

محور و موضوع اصلی مباحثات تلمود، شرح و بسط تورات و می‌شناست. حوزه و قلمروتورات بسیار گسترده است و شامل تمامی حوزه‌های زندگی یهودی می‌شود. عادات، رسوم، توصیه‌های شغلی، دستورات عمل‌های پزشکی، بررسی وقایع انسانی، مسائل زبان‌شناختی، مسائل اخلاقی همگی موضوع تورات را تشکیل می‌دهند و تلمود نیز با همین گستردگی از اینها بحث کرده است.

حکیمان تلمودی گفته‌اند: «مکالمات بی حساب و کتاب روزمره، شوخی‌ها و گفتارهای خودمانی حکیمان را باید مطالعه کرد». بر اساس این دیدگاه، آنچه آنها گفته‌اند و از آن بحث کرده‌اند، در تلمود آمده است. نگاه به

تورات به عنوان کتابی جامع و فراگیر موجب پیدایش خصیصه‌ای در ادبیات تلمودی شد و آن انتقال مداوم از موضوعی به موضوع دیگر و از حوزه‌ای به حوزه دیگر است، بدون آن که تمایزی میان آنها ایجاد کنند.

14. دعاها و برکت‌ها

در دوره معبد اول، دعا خواندن خودجوش بود. هر زمانی که یک یهودی احساس می‌کرد باید به درگاه خداوند استغاثه یا شکرگزاری کند، در اماکن خصوصی یا در معبد این عمل را انجام می‌داد.

اما در دوره معبد دوم، بنابه ملاحظاتی، از جمله بیگانه شدن یهودیان سرزمین‌های آوارگی (دیاسپورا) از زبان عبری و مفاهیم اصلی آیین یهود، دعا خواندن برای ایشان مشکل شده بود. بر این اساس، مجمع کبیر دعای ویژه‌ای را تدوین کرد. این دعا به «برکات هجده‌گانه»⁽³⁵⁾ معروف است. از نکات مورد توجه در مراسم نیایش یهودی «زمان‌های خاص» دعا و نیایش است. مواقیت دعا به تفصیل مشخص شده‌اند.

مراسم دعا اغلب به صورت جماعت و در معبد یا کنیسه‌ها برگزار می‌شد. در تلمود درباره این که جماعت با چه عددی برپا می‌شود بحث گسترده‌ای صورت گرفته است.

از معروف‌ترین دعا‌های یهودی، مراسم رسمی نیایش «شمع بیسرائیل»⁽³⁶⁾ بود که در آن، دو قطعه از تورات (سفر تثئیه 4:6-9 و 13:11-21) در هر صبح و شام قرائت می‌شد. چندی بعد ده فرمان به آن افزوده شد. اما بعدها ده فرمان بنا به عللی از آن حذف شد.

علاوه بر دعاها، از برکت‌های گوناگون نیز باید نام برد. ذکرهای زیادی برای حوادث مختلف زندگی در نظر گرفته شده بودند: ذکر ایام شادمانی، عزاداری، پدید آمدن حادثه‌ای تلخ و شر و نیز ذکرها و برکت‌هایی در قبال حوادث طبیعی مثل زکری که در هنگام دیدن اولین شکوفه بهاری یا به هنگام بارش باران و یا دیدن زنان زیبا باید بر زبان جاری می‌شدند. اغلب این ذکرها و برکت‌ها در رساله براخوت⁽³⁷⁾ به شکل مفصل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

15. شبات⁽³⁸⁾ (روز شنبه)

مفهوم شبات یک مفهوم اصلی و بنیادین در شریعت یهودی است. اهمیت و حرمت آن از داستان آفرینش در سفر پیدایش تا حکم صریح مبنی بر منع کار کردن در روز هفتم درده فرمان کاملاً پیداست. «نباید در روز شبات کار کنی» حکم شرعی‌ای است که در تورات چندین بار تکرار شده است و انبیا بارها به آن تصریح کرده‌اند.

تعریف «کار» و محدوده زمانی روز شنبه و نوع ممنوعیت از جمله مباحث مهمی هستند که در تلمود از آنها بسیار سخن به میان آمده است. می‌شنا یک سیاهه از کارها را به لحاظ هدفی که از انجام آنها مدنظر است ارائه می‌کند؛ از اعمال مقدماتی و زراعت گرفته تا پردازش فلز و پارچه که مجموعاً سی و نه عووداه⁽³⁹⁾ (مقولات اصلی کارها) نام دارد.

اما شبات تنها تداعی‌گر ممنوعیت‌ها و نواهی نیست. این آیه که «... و شبات را خوشی و مقدس خداوند خوانی» (اشعیای نبی، 58:13) یادآور اعمال و آداب بسیاری است که تداعی‌گر اصطلاح عام و کلی انگ

شبث (40) (خوشی روز شبث) است. از جمله این آداب می‌توان به سه وعده غذای شادمانه روز شبث، پوشیدن لباس شادی وافروختن شمع نام برد.

ممنوعیت خروج از منزل، و حرمت دست زدن به اشیا در روز شبثه نیز از جمله مباحث مطرح و مورد بحث حکیمان تلمودی است. به طور کلی باید گفت که احکام بی‌شمار روز شبث یک شبکه گسترده از امور جزئی است که از چند مفهوم اساسی درآیین یهود به دست آمده‌اند و در نهایت به ایجاد ساختاری مینیاتوری و مرکب از هزاران جزء ریز و ظریف که بر گرد چارچوب اولیه جمع شده‌اند، انجامیده‌اند.

16. عیدها

اکثر رساله‌های بخش موعده تلمود درباره روزهای مقدس و مناسبت‌های ویژه در طی یک‌سال است. عید نیز چون شبث روز استراحت است، اما با روز هفتم دو تفاوت دارد: اولاً، مقررات آن نسبت به شبث از شدت کمتری برخوردار است و ثانیاً، در روز شبث انجام هر کاری ممنوع است اما ممنوعیت‌های روز عید تنها شامل ملخت آوداه (41) (کارهای فیزیکی) می‌شود.

اعیاد یهود مطابق تقویم قمری است. از جمله این اعیاد روش خودش (42) (روز اول ماه) یعنی زمان رؤیت حسی و با چشم غیر مسلح هلال اول ماه یا زمان ثبوت آن توسط دوشاهد عادل بود. در این جا تلمود بحث مفصلی درباره کیفیت رؤیت هلال و شرایط آن مطرح می‌کند. عید روش هشانه (43) (راس السنه) عید سال نو است. اعیاد پسح (44) و سوکوت (45) (عید خیام) نیز احکام خاصی دارند. مراسم یوم کیپور (46) (روز کفاره)، پوریم (47) و حنوکا (48) از دیگر مناسبت‌ها در آیین یهود هستند. تلمود درباره اعیاد و مناسبت‌ها و مسائل مرتبط به آنها به تفصیل سخن گفته است.

17. ازدواج و طلاق

در این حوزه از دو دسته احکام راجع به دو موضوع مهم سخن به میان می‌آید: یکی حرمت زنا و تماس جنسی با محارم، و دومی احکام مربوط به ازدواج و طلاق. تورات در حالی که از این حوزه در فرمان «زنا مکنید» تا فهرستی از احکام در سفر لایوان و اضافاتی نیز در سفر تثئیه درباره ممنوعیت‌ها سخن می‌گوید، اما تقریباً از رفتار زناشویی مجاز سخنی به میان نمی‌آورد. آنچه در میشنا و تلمود وجود دارد، شبکه‌ای بسیار مفصل و پیچیده و در عین حال منسجم از قوانین و احکام زناشویی است. ارتباط میان زن و مرد و طرز برخورد دیگران با آن دو، جایگاه عقد ازدواج و کیفیت آن، طلاق‌نامه، صیغه عقد، مراسم عروسی، احکام زفاف، روابط زوجین با دیگران، حکم زنای با محارم، فرزند متولد از زنا، مهریه، احکام تفصیلی طلاق، شرایط و مقررات ازدواج، حق مالکیت زن بر اموال و مباحث جزئی دیگر از جمله مباحثی هستند که فقیهان و حاخام‌های یهودی در تلمود از آنها سخن گفته‌اند.

18. جایگاه زنان

در نگاه اول، چنین به نظر می‌آید که حقوق تلمودی زنان را از یک طبقه دون پایه و ایفاگر نقشی کاملاً فرعی در زندگی و جامعه یهودی می‌داند. اما زنان در حوزه‌های بسیار گوناگونی فعال‌اند و حضور خود را نه تنها در

ایفای نقش همسر و مادر، که در حوزه‌هایی که به ظاهر در انحصار جنس مذکر است، به اثبات رسانده‌اند. علت این برداشت اولیه‌ها در طبیعت رویکردی است که تلمود در قبال زندگی و تورات دارد. اگر می‌بینیم حاخامی بزرگ مثل ربی‌العرر به زن باسوادی می‌گوید: «هیچ حکمتی برای زن نیست مگر ریستن نخ»، یا زن از آموختن منع می‌شود، به این خاطر نیست که حکیمان تلمودی زن را فاقد استعداد آموختن می‌دانستند، بلکه برعکس، آنان معتقد بودند که زنان از بینا⁽⁴⁹⁾ (درک) بیشتری برخوردارند. لذا در سوی دیگر حکیمی را می‌بینیم که معتقد است که هر پدری باید تورات را به دخترش بیاموزد.

حکیمان از این که مبادا زنان خود را به کلی وقف خواندن دعاها و انجام اعمال شرعی کنند، و از وظیفه خانه‌داری و همسررداری و تربیت فرزند بازمانند، این احکام خاص را برای زنان وضع کرده‌اند. اما آنچه از تلمود برمی‌آید صرفاً تمایز احکام زنان از احکام مردان است و این امر به هیچ وجه بر دون‌پایگی زنان دلالت ندارد.

19. حقوق مدنی

حقوق مدنی یا، چنان که معمولاً نامیده می‌شود، دینی مومنوت⁽⁵⁰⁾ (حقوق پولی) یکی از پربارترین حوزه‌های تفکر و خلاقیت تلمود است و یکی از حکیمان می‌شنایی در تعریف آن می‌گوید: «هر کس که در پی حکمتی است باید به مطالعه دینی مومنوت بپردازد، زیرا در تورات موضوعی مهم‌تر از آن وجود ندارد؛ این موضوع یک چشمه جوشان است». بر خلاف دیگر قوانین که عموماً بر یک چارچوب نسبتاً انعطاف‌ناپذیری از قواعد و احکام مبتنی‌اند، قانون مدنی که به یک حوزه مهم از روابط بشری می‌پردازد، منعطف و دائماً در حال تغییر است.

یکی از اصولی که شالوده تمام دینی مومنوت است و به انحای مختلف بر رویه‌ها لایبی نیز اثر گذاشته، این فرض کلی است که پول را می‌توان به عنوان هدیه به‌دیگری داد، نکته اساسی دیگر که حقوق مالی را انعطاف‌پذیرتر از دیگر دسته‌های حقوق یهود می‌کند، این برداشت عمومی است که پول را «می‌توان جایگزین کرد». از دیگر قواعد و اصول اساسی حاکم بر حقوق مدنی قاعده «عرف زمین» است، یعنی کسی که در محلی ساکن است، متعهد است قانون و عرف محلی را رعایت کند و بعضی حقوق را که تورات برای او شناخته، ملغی کند. قوانین و احکام مالی و پولی تورات به نحو گسترده‌ای شرح داده شده‌اند و با نیازهای گوناگون و اوضاع و احوال متغیر زمان و مکان منطبق گشته‌اند. رساله قدیمی نزیقین به سه باب تقسیم شد که کم و بیش با مسائلی که در حقوق پولی مطرح است، منطبق است. قوانین و احکام مربوط به خسارت‌های خاص که در بردارنده صدماتی است که انسانی به هم‌نوع خود وارد می‌سازد، در باواقما⁽⁵¹⁾ (باب نخست)، دعاوی مالی یا شغلی و دیون در باوا مصیا⁽⁵²⁾ (باب دوم یا میانی)، و احکام مربوط به شرکت‌های مدنی، اجناس فروشی و اسناد قانونی در باوا باترا⁽⁵³⁾ (باب سوم یا پایانی) مورد بحث قرار می‌گیرند.

20. حقوق کیفری

تلمود میان حقوق کیفری و مدنی هیچ تفاوت اصولی قائل نیست، چنان که میان جرایم فردعلیه انسان و فرد در مقابل خدا تفاوتی نمی‌گذارد. از نگاه تلمود تمامی حوزه‌های فعالیت آدمی در عرصه شریعت، جنبه‌های گوناگون و مختلف یک تعلیم جامع و فراگیر هستند. در عین حال، تلمود میان احکام و قوانین مربوط به مسائل مالی و احکام راجع به جرایم و مجازات‌های جسمانی تفاوتی جزئی قائل می‌شود.

رسیدگی به جرایم مستوجب اعدام به عهده دادگاهی خاص معروف به سنهدرین کوچک⁽⁵⁴⁾ بود که از 23 قاضی تشکیل می‌شد. قضات این دادگاه همگی منصوب و خوددادگاه و قضات آن ملزم به رعایت مقررات خاص و دقیقی بودند.

دادگاه سنهدرین کبیر⁽⁵⁵⁾، عالی‌ترین دادگاه، مرکب از 71 قاضی، تنها جنبه قضایی نداشت. این دادگاه تجلی قدرت متعالی دینی بود؛ حق اعلان جنگ، تشخیص مشروعیت مصوبات دادگاه‌ها و نهادهای قضایی و صدور مصوبات جدید که برای تمام قوم الزام‌آور بود، از جمله اختیارات این دادگاه بود که در واقع دنباله بت دین⁽⁵⁶⁾ بود (دادگاه‌شرع را خود موسی بنا نهاده بود).

آیین دادرسی دادگاه‌های یهودی دارای یک نظام قانونی ثابت و در عین حال انعطاف‌پذیر بود. در ادله اثبات دعوا، بینه در صدر ادله بود. اقرار متهم در بعضی دعاوی مورد قبول دادگاه بود و موجب اصدار حکم می‌شد. تلمود درباره ادله و قراین مورد استناد در امور کیفری از دقت، سخت‌گیری و مقررات خاصی سخن به میان می‌آورد. متهم به عنوان انسان مختار مورد توجه تلمود است و سوء نیت پیشین در ارتکاب جرم بسیار اهمیت دارد. برای محکومیت متهم، اکثریت سیزده به ده لازم بود و برای تبرئه اکثریت یک نفری (یعنی دوازده به یازده) هم کافی بود. طرفین دعوا در دادگاه‌های دینی یهودی برای دفاع از خود نمی‌توانستند وکیل بگیرند و مفهوم مشورت حقوقی، که در آن زمان در حقوق یونانی و رومی وجود داشت، منفی تلقی می‌شد؛ زیرا باور همگانی براین بود که وکلا با ارائه نظرات مشورتی نادرست به موکلان حقیقت را وارونه می‌کنند. در میان مجازات‌ها تازیانه متداول‌ترین بود. جرایم سنگین‌تر مجازات شدیدتر داشتند. مجازات قتل اعدام بود. حبس ابد و تبعید از دیگر انواع مجازات بودند.

2.1. قربانی‌ها

بخش قابل توجهی از شریعت مکتوب و نیز شفاهی به احکام قربانی اختصاص دارد. با آن که در سنت انبیا انجام قربانی به جای توبه حقیقی به کلی محکوم شده است، اما انبیا هرگز با اصل قربانی کردن مخالفت نمی‌کردند. در دوره معبد دوم، حکیمان اعلام کردند که جهان بر سه چیز استوار است: 1. تورات؛ 2. عبادت در معبد؛ 3. اعمال نوع دوستانه. بعد از انهدام معبد، نگرش عاطفی عمیق به عبادت در معبد از شور و حرارت افتاد و جای خود را به قربانی داد. حکیمان بابلی، علی‌رغم فاصله تاریخی و جغرافیایی با معبد، توجه زیادی به مسئله قربانی مبذول داشته‌اند. قربانی دارای سه پیام اساسی است: بخشش، جایگزینی و تقرب. بخشش به طور ضمنی نشانه باز پس دادن چیزی است که عبادت‌کننده مالک آن است و آن را به درگاه خداوند هدیه می‌کند. مفهوم جایگزینی یعنی این که قربانی حیوان به جای قربانی نفس انجام می‌گیرد؛ زیرا گناهکار به

خاطرگناهانش سزاوار مرگ است، اما تورات تقدیم قربانی را به او عطا کرد تا پاک شود و از مرگ نجات یابد. و تقرب به معنای داشتن ارتباط عاطفی با خدا است که با تقدیم قربانی، یعنی ریختن خون قربانی در مذبح و سوزاندن گوشت آن، حاصل می‌شود.

احکام قربانی، آن گونه که در تورات آمده است، با این که جامع نیستند، مبسوط و پیچیده‌اند. درباره چگونگی انجام هر یک از قربانی‌ها، جنبه عملی مراسم قربانی و عیوب گوناگون قربانی، سنت کاهنی بسیار مفصلی وجود دارد.

انواع بسیار متنوع قربانی‌ها طبق ملاک‌های متفاوتی در هلاخاها دسته‌بندی شدند: قربانی‌های عمومی و قربانی‌های خاص؛ زواج⁽⁵⁷⁾ (گاو و گوسفند و مرغان خانگی) و مینحاه (غذا، آرد، گندم و جو)؛ قربانی‌های گناه مثل قربانی روز کفاره⁽⁵⁸⁾ (کیپور) و قربانی‌های دیگر که از تقدس کمتری برخوردارند. بخش قداشیم تلمود تنها درباره قربانی‌ها و عیوب مختلف آنها نیست، بلکه از گناهان مختلفی سخن می‌گوید که مستلزم قربانی‌های کفاره هستند.

علاوه بر قربانی‌ها، هدایای اختیاری دیگری نیز به معبد و نزد کاهنان آورده می‌شد، از محصولات مزارع گرفته تا پرداخت مبلغی تحت عنوان «یک دوم دارایی»⁽⁵⁹⁾ که برای حفظ و نگهداری معبد پرداخت می‌شد. البته معبد و کاهنان از اعانات و درآمدهای دیگری نیز برخوردار بودند.

در این فصل، از معبد و سبک معماری آن و چگونگی برگزاری مراسم در آن نیز سخن به میان آمده است. همچنین از مقام کهنات، سلسله مراتب کاهنان، نقش آنها در مراسم عبادی و انجام قربانی‌ها بحث شده است.

22. احکام خوردنی‌ها

در این جا از احکام غذاهای ممنوع و مجاز بحث می‌شود. حرمت یک ماده خوراکی می‌تواند به چند دلیل باشد: جدا نکردن عشریه⁽⁶⁰⁾، قابلیت مصرف مستقیم یا غیرمستقیم آن در مراسم بت‌پرستی، کسب آن از طریق دزدی یا راهزنی، حامص⁽⁶¹⁾ (فطیر) که مختص روز عید پسخ است، جزیبی از شیئی نجس بودن، عدم تهیه آن مطابق احکام هلاخایی.

درباره غذاهای حیوانی، اعم از پرندگان، جوندگان، خزندگان و چهارپایان، احکام خاصی در تلمود آمده است؛ مثلاً بی‌مهرگان به کلی حرام‌اند، مگر نوعی ملخ. ملاک حلال بودن ماهی‌ها فلس داشتن است. درباره پرندگان نام بیش از بیست نوع پرنده حرام‌گوشت برده شده است. حکیمان تلمودی برای این که ملاکی کلی برای تشخیص پرندگان به دست داده باشند، به خصوصیات ظاهری، تفاوت‌های کالبدشناختی و رفتاری آنان پرداختند و بدین وسیله طبقات زیست‌شناختی و طبیعی معینی را ایجاد کردند. از چهارپایان و طبقه پستانداران تنها حیوانات نشخوارکننده سم‌شکافته حلال‌اند.

در بحث حرمت بعضی از اجزای حیوانات حلال گوشت نیز بحث شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به رمت‌خون اشاره کرد. از جمله ممنوعیت‌های مهم و معروف در شریعت یهود، مخلوط کردن گوشت و شیر است.

بحث اطعمه و اشربه در آیین یهود و استدلال‌های حکیمان تلمودی بسیار مفصل است. هلاخای مربوط به مسائل و مشکلات احکام خوردنی‌ها در رساله حولین⁽⁶²⁾ تلمود به تفصیل آمده است.

23. پاکی و ناپاکی شرعی

یک بخش کامل از میثنا به احکام طهارت و نجاست شرعی اختصاص دارد و به تبع آن تلمود نیز به طور پیچیده از آن بحث کرده است. البته پاکی و ناپاکی که تلمود از آن بحث می‌کند، با آنچه در حوزه بهداشت و رعایت نظافت مطرح است، تفاوت دارد. مطابق واژه‌شناسی تلمودی، ناپاک‌ترین شیء و «بزرگ‌ترین علت نجاست، جسد آدمی است»؛ هر چه با جسد تماس حاصل کند نجس می‌شود. البته تنجس مراتب متفاوتی دارد: هراندازه حساسیت فرد یا شیئی که با منشا نجاست و آلودگی تماس پیدا می‌کند، بیشتر باشد، راحت‌تر آلوده می‌شود. غذاها و نوشیدنی‌ها خیلی آسان نجس می‌شوند و اشیای چوبی و پارچه‌ای کمتر تاثیر می‌پذیرند.

پاک شدن از نجاست و آلودگی همیشه یکسان نیست و بسته به طبیعت عامل نجاست و شیء متنجس، متفاوت است؛ مثلاً ظروف سفالی طهارت‌پذیر نیستند و در صورت تنجس باید آنها را شکست. بقیه ظروف به همان ترتیبی که آدمی پاک می‌شود، طهارت کسب می‌کنند. تمامی انواع طهارت در یک چیز مشترک‌اند و آن «فرو رفتن در آب»⁽⁶³⁾ است.

غسل از راه‌های مختلفی انجام می‌گیرد، مانند فرو رفتن در سرچشمه و در میقوه‌ماییم⁽⁶⁴⁾، یعنی مکانی که آب کافی برای طهارت در آن جا جمع شده باشد. طهارت برخی از نجاسات علاوه بر آب، به بعضی کارهای جانبی نیز نیازمند بود؛ مثلاً در وضع حمل، زائو می‌باید علاوه بر غسل، قربانی کند. در نجاست ناشی از تماس با میت، طهارت از طریق مخلوط کردن آب با خاکستر یک گوساله ماده قرمز⁽⁶⁵⁾ حاصل می‌شود. یهودیان از گذشته تا به حال در رعایت مقررات طهارت و نجاست رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. بعضی راه افراط پیش گرفته و کسانی سهل‌انگاری پیشه کرده‌اند.

24. اخلاق و هلاخا

هلاخا در اصل شریعت است، اما عناصری از اخلاق و نوعی جهان‌بینی کلی درباره زندگی نیز در خود دارد. سخت‌گیری‌های شرعی را با انعطاف‌های اخلاقی و از خودگذشتگی باید تلطیف کرد. راه حل کلی برای آن دسته از احکام شرعی که در تعارض با ملاحظات اخلاقی هستند، آن است که آدمی در انجام مطالبات دیگران تا شوراتها دین⁽⁶⁶⁾ (مرز شریعت) پیش رود، اما در رفتار با دیگران باید «در داخل شریعت» عمل کند. علاوه بر این‌مرزبندی‌ها، هلاخا درباره فردی که در روابط خصوصی خود با دیگران با گذشت و بردباری رفتار می‌کند، می‌گوید: خداوند در ازای این رفتار تمامی گناهانش را می‌بخشاید. در نگاه هلاخایی، انسان آرمانی این‌گونه توصیف شده است: «کسانی که اگر به ایشان توهین شود، اهانت نکنند؛ اگر آبروی آنها را ببرند، پاسخ نگویند؛ اعمال آنها برآمده از عشق است و از تحمل درد و رنج لذت می‌برند و درباره آنها نوشته شده است که: و آنهايي که به او عشق می‌ورزند مانند خورشید می‌درخشند».

25. درخ ارض⁽⁶⁷⁾ (سلوک)

اصطلاح درخ ارض در ادبیات تلمودی معانی متفاوتی دارد. مهم‌ترین آنها «راه جهان» است، راهی که آدمی در آن سیر می‌کند. درخ ارض علاوه بر آن که برای همه مردم و به‌ویژه عالمان دینی به عنوان یک تکلیف شرعی الزامی است، بعد دیگری نیز دارد؛ زیرا رفتار حسن و پسندیده، جزئی از مجموعه اعمال و اندیشه است که به دعوت⁽⁶⁸⁾ (علم، حکمت) معروف است. این مجموعه صرفاً انباشتی از دانش نیست؛ دعوت آدمی را به چگونگی معاشرت با خانواده و دیگران رهنمون می‌شود؛ شیوه سخن گفتن را مشخص می‌کند؛ قدرت تصمیم‌گیری، سماجت ورزیدن و یا گذشت را در فرد تقویت می‌کند. دعوت اگر چه خود شریعت نیست ولی هر کسی که با تورات مانوس شد باید از خدمت‌رسانی از موهبت دعوت برخوردار باشد.

آداب معاشرت و عرفیات عصر تلمودی در رساله‌ای کوچک به نام درخ ارض جمع شده است که گنجینه‌ای از اطلاعات راجع به اخلاقیات و رفتار عرفی آن دوره است. هلاخای مربوط به درخ ارض به حوزه‌های گوناگون زندگی مربوط می‌شود.

26. عرفان

در کنار اظهارات عمومی که در حضور تمامی طلاب صورت می‌گرفت، اساتید موضوعات دیگری نیز در جلسات خصوصی و پشت درهای بسته برای تعداد خاصی از شاگردان مطرح می‌کردند. عرفان، رازوری و تعالیم خاص اساتید در این عرصه، از جمله اموری بود که تنها برای عده‌ای محدود نقل می‌شد. بر این اساس، اطلاعات ما درباره رازوری و عرفان ناچیز است و اندک جزئیاتی که در دسترس ماست، به طور تلویحی در رساله‌های مختلف تلمود به آنها اشاره شده است. اما ممنوعیت‌های شدید در عرصه تفسیر عرفانی در طی قرون وسطا رو به سستی نهاد و از دوره گائون‌ها به این سو، با اظهارات صریح‌تری مواجه می‌شویم. در آغاز عصر جدید، قبلاً عنصر مهم و محوری تفکر عرفانی یهود می‌شود. مبنای بخش زیادی از آنچه ما می‌توانیم درباره عالم عرفان حکیمان تلمودی حدس بزنیم، با اتکا به این ادبیات عرفانی و ناشی از نوری است که قبلاً بر اشارات تلمود می‌افکند.

در منابع آمده است که توراۀ هسود⁽⁶⁹⁾ (عرفان) دو بخش داشت: معسه برشیت⁽⁷⁰⁾ (قانون آفرینش) و معسه مرکبه⁽⁷¹⁾ (تدبیر الهی)؛ اولی نظری‌تر بود و با آفرینش عالم و اولین تجلیات الهی سر و کار داشت، و دومی که بر توصیف حزقیال نبی از تدبیر الهی استوار بود، تحقیقی درباره روابط حاکم میان خدا و عالم و حاوی هسته‌های اولیه آن چیزی است که بعدها به قبلاً معاسیت⁽⁷²⁾ (قبالای عملی) شهرت یافت. عالم عرفان و رازوری به چند دلیل مخفی نگه داشته می‌شد. یکی از دلایل اساسی، این تلقی بود که موضوعات مربوط به عظمت خدا را باید در اختیار کسانی قرار داد که شایستگی مطالعه و تحصیل آنها را داشته باشند. این نگرانی وجود داشت که افراد با علم پیدا کردن به اسما و اسراری که اساس نظام هستی را تشکیل می‌دهند، به بهره‌برداری نادرست بپردازند. دلیل دوم این بود که تحصیل آموزه‌های عرفانی صرفاً به جنبه نظری ختم

نمی‌شد؛ تجربه‌های عمیق عرفانی را لازم داشت که قطعاً برای کسانی که کاملاً آمادگی نمی‌داشتند، خطر آفرین بود.

به طور کلی، ارتباط میان موضوعات هلاخایی و رازورانه از خصوصیات برجسته ادبیات عرفانی یهود است. عارف یهودی از هلاخا و مسائل شرعی عملی بیگانه نیست؛ اغلب خبرگان هلاخایی (فقیهان) عارف نیز بودند. جایگاه آدمی در عالم عرفان یهودی اغلب درخشان و برجسته است. انسان مایه دوام فرایند آفرینش خوانده می‌شود.

بخش سوم: روش‌ها

27. میدراش⁽⁷³⁾ (تفسیر هلاخایی)

میدراش هلاخا (از ریشه دارش⁽⁷⁴⁾ به معنای تحقیق کردن و در جست و جوی چیزی بودن) بخش عمده از ادبیاتی است که شریعت موسوی را تفسیر می‌کند و شواهد و نشانه‌هایی را در لابه‌لای متن می‌جوید تا به فهم بیشتر آن نایل آید. میدراش تنها بخش کوچکی از میشنا را تشکیل می‌دهد، اما تلمود در تلاش برای شرح دادن منابع میسنایی، اغلب از میدراش نقل می‌کند. نقل‌های گسترده از تالیفات میدراشی که بعضی از آنها تا به امروز باقی مانده‌اند مجموعه‌های بارائیتوت⁽⁷⁵⁾ (تفسیرهای بیرونی) را تشکیل می‌دهند که فقط در تلمود ضبط شده‌اند.

میدراش هلاخا روشی کاملاً دقیق و مبتنی بر این فرض است که هر حکم و فعلی که در تورات آمده است به طور صحیح و دقیق تفسیر یافته و هر امر جزئی در آن، مهم و دارای مفهوم است؛ هر واژه‌ای، هر چند در ظاهر نامربوط، منبع مطالعه است، حتی حروف نامربوط و اضافی دارای معنا هستند.

اگر چه قواعد بنیادین حاکم بر تفسیر منطبق با نص، قواعدی ساده‌اند، اما روش کار میدراش و ارتباط درونی میان قواعد مختلف و نیز تعریف و کارکرد دقیق آنها موضوعاتی هستند که تلمود به طور گسترده و عمیق از آنها بحث می‌کند و مفسران تلمود و میدراش نیز شامل ژرفی در آن روا داشته‌اند. اصول مهم تفسیر عبارت‌اند از: کال و - هومر⁽⁷⁶⁾ (قیاس جزء به کل)، گصراه شواوه⁽⁷⁷⁾ (فقه اللغه)، بینیان و⁽⁷⁸⁾ (استقرا)، کلال او - فرات⁽⁷⁹⁾ (استنتاج از ظاهر نص)، و داوار ها لمد می اینیانو⁽⁸⁰⁾ (تفسیر آیه به آیه).

28. روش فکری تلمود

تلمود نه تنها در موضوع که در روش و شیوه بحث نیز یگانه است. روش تحقیقی و فکری تلمود دارای چارچوبی منحصر به فرد و بی‌بدیل است. تنها با همین روش می‌توان به فهم تلمود نایل آمد و ابزارهای دیگر در این مسیر کارایی ندارند. نکته اساسی در روش تفکر تلمودی، موضع‌گیری در قبال انتزاع است. در تلمود مانند اکثر حوزه‌های دیگر تفکر یهودی، از تفکر انتزاعی احتراز می‌شود. حتی موضوعاتی که با روش بحث انتزاعی به آسانی می‌توان از آنها بحث کرد و به نتایجی رسید با روش‌های دیگر که اغلب دست‌وپاگیر و بر یک نظام منطقی و با تکیه بر نمادها و نمونه‌نماها مبتنی‌اند، تحلیل می‌شوند. تلمود، به جای استفاده از مفاهیم انتزاعی، از نمونه‌های عینی و الگوهای خارجی بهره می‌جوید. از دیگر خصوصیات روش‌شناختی

تلمود روش استدلال آن است. برجسته‌ترین روش‌ها، پیلپول⁽⁸¹⁾ (استدلال دیالکتیک) تلمودی است؛ مفهومی این است که از پذیرش دلایل ساده و به ظاهر افناع کننده سرباز زدن و در پی یافتن دلیلی مسلم و انکارناپذیر بودن. از جنبه‌های بی‌بدیل روش تفکر تلمودی، بحث‌های پرمشاجره و سخت است و در نتیجه به حداقل تفاوت میان روش‌ها و دیدگاه‌ها اکتفا شده است. تمام سعی و تلاش حکیمان تلمودی این است که به یک نقطه مشترک برسند.

29. مسائل عجیب و غریب

اغلب مباحثی که تلمود به آنها پرداخته است، دارای کارکرد عملی و خارجی هستند، اما در تلمود از مباحث دیگری می‌توان سراغ گرفت که احتمال وقوع آنها در زندگانی روزمره آدمیان بسیار بعید است و بعضی از آنها به طور کلی غیرواقعی و در ظاهر بی‌معنی و مهمل می‌نمایند. اما آنچه در تلمود مد نظر است، جاذبه و گیرایی ذاتی مباحث و موضوعات است، نه نیاز مبرم به ارائه یک راه حل. بر این اساس، در محافل حکیمان تلمودی این ادعا که فلان مسئله غیرواقعی و فاقد ارزش است، ادعایی مردود بود. آنان همیشه در قبال این قبیل مسائل چنین اظهار نظر می‌کردند: «این نیز تورات است و باید آن را فرا گرفت و در آن غور کرد.» بنابراین تعجبی ندارد اگر در تلمود با مباحثی برخورد کنیم که به طرز شگفت‌آوری به پیش‌بینی زیرکانه درباره مسائل جهان معاصر می‌مانند. مثلاً یکی از مسائلی که تلمود از آن بحث می‌کند «برج معلق در هوا» است که تا قرن‌ها از آن به‌نمادی تعبیر می‌شد که قوه تخیل بشری می‌تواند تا آن جا اوج گیرد؛ اما با مشاهده آسمان خراش‌های امروزی به نظر می‌آید که این مسئله یک پیش‌بینی زیرکانه است. مباحث عجیب بسیاری در تلمود مطرح شده است که امروزه باعث تعجب و شگفتی است، مانند بحث لقاح مصنوعی زنان.

30. روش‌های مطالعه

تلمود اثری است دارای ابعاد متعدد و متنوع و موضوع اصلی آن تعلیم و تربیت یهودی است. این اثر با روش‌های بسیار متفاوتی تدریس شد و با مکان و زمان‌های گوناگونی منطبق گشت. مقایسه میان روش تفسیری شمال که رویکرد کلی‌نگر به بررسی موضوعات داشته‌اند، و روش فرانکو - اشکنازی⁽⁸³⁾ که تلمود با تمام تفاسیل و جزئیات از آن بحث می‌کند، در واقع بیان تفاوت‌های اصلی روش‌ها و اهداف آموزشی است. مکتب سفاردی تا حد زیادی متوجه هلاخا و احکام شرعی است و چنین رویکردی مستلزم توجه خاص به تفسیر و پیوند میان موضوعات است. رویکرد سفاردی در همه حال، حتی زمانی که هدف فقط یافتن پاسخ‌های شرعی برای مسائل است، به بررسی نتایجی دیگر که ممکن است از دیدگاه‌ها و روش‌های گوناگون و گزاره‌ها به دست آید، می‌پردازد. اساس رویکرد سفاردی این پرسش است که «چه نتیجه‌ای از این فرض باید به دست آید؟». اما روش فرانکو - اشکنازی روشی کاملاً متفاوت است. این روش را می‌توان استمرار روش‌های فکری تلمودی دانست که هدف آن ایجاد تلمودی در کنار تلمود اصلی است. به بیان

دیگر، در این رویکرد، تلمود متن اصلی و محور است و منابع و دیدگاه‌ها در قبال آن مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرند.

31. تلمود و هالاخا

تلمود، به خلاف میشنا، کتابی کاملاً هالاخایی (فقهی) نیست، اگرچه بدون شک مهم‌ترین و معتبرترین منبع هالاخایی است که تاکنون به رشته تحریر درآمده است. تحلیل نهایی همه هالاخاها به تلمود تکیه دارد و در هر شک و اشکالی به این کتاب مراجعه می‌شود. به عبارت دیگر، منبع اولیه مجموعه شریعت یهودی خود اثری شرعی و فقهی صرف نیست. در به کارگیری تلمود به عنوان راهنمای آیین و مناسک شرعی، صرف بررسی واستنتاج بخش‌های مربوط به موضوعات کاربردی و عملی کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است از ملحقات و حواشی متعددی که توسط سابوراها⁽⁸⁴⁾ و گائون‌ها بر آن افزوده‌اند، بهره گرفت. روش استخراج هالاخا از تلمود تا حدودی درون‌زاد خود تلمود است و گائون‌ها فقط آن را توسعه دادند و قواعد و روش‌های دیگری ایجاد کردند. بزرگ‌ترین مؤلفان یهودی، علاوه بر ایجاد و خلق احکام جدید یا جنبه‌های تازه‌ای از هالاخا، به تفحص از اصول و قواعد فرعی و اضافی نیز مداومت می‌ورزیدند.

در مجموع، مطالعه و تحلیل تلمود و این دیدگاه که تلمود تجسم کامل یک اثر شرعی و فقهی است که می‌توان استنتاجاتی را از آن به دست آورد، همچنان از اصول اساسی مطالعات هالاخایی است. هر عالمی در انجام مطالعه دقیق روی هالاخایی خاص و یا هر حکم شرعی دیگر در نهایت به منبع اصلی یعنی تلمود مراجعه می‌کند. علاوه بر این، نتایج هالاخایی را می‌توان با به کارگیری قواعد و مقایسه منابع گوناگون و پی‌جویی بحث‌های متنوع تاریخی استنتاج کرد. تلمود بدون این که خود یک کتاب هالاخایی باشد، یک منبع دست اول هالاخا است.

32. آگادا⁽⁸⁵⁾ در تلمود

حدود یک چهارم از مطالب تلمود بابلی را می‌توان در طبقه‌ای تحت عنوان آگادا جای داد. در تلمود فلسطینی این نسبت کمتر اما قابل ملاحظه است. از آن جایی که ارائه تعریفی دقیق و رضایت‌بخش از آگادا بسیار مشکل است، لذا رویه این است که آن را به ضدش تعریف می‌کنند؛ هر آنچه در تلمود آمده باشد و هالاخا یا بحثی درباره هالاخا نباشد، آگادا است. یکی از دلایل مشکل بودن ارائه تعریف از آگادا آن است که مواد آگادایی یک‌دست نیستند؛ آگادا چارچوب‌های مختلفی دارد که خود به چندین طبقه تقسیم می‌شوند.

یک بخش از آگادا با میدراش در ارتباط است و به تفسیر آن بخش از آیات کتاب مقدس اختصاص دارد که می‌توان از درون آنها هالاخای عملی را استنتاج کرد. بخش دیگر به تعالیم اخلاقی و وعظی در قبال موضوعات متنوع و گوناگون مربوط می‌شود. همچنین از جمله مواد آگادایی تلمود، حکایات مربوط به سرگذشت بزرگان است. مواد و دست‌مایه‌های آگادایی درباره آن دسته از مسائل کلامی و دینی که در حوزه هالاخانی گنجد نیز وجود دارد. در آگادا بعضی از افسانه‌های آن عصر، ضرب‌المثل‌ها و لهجه‌های محلی نیز جزء مجموعه‌های آگادایی تلمود است.

از آن جایی که عالمان یهودی تقریباً به هر موضوعی زیر این آسمان کبودمی پرداختند، باید آگادا را جنگ و مجموعه‌ای درهم از سفرنامه‌ها، مسائل زبان‌شناختی، توصیه‌های تجاری و معاملات، پند و اندرزهای طبی و تاریخی دانست.

33. عالم کیست؟

هر فرهنگی نخبگان خاصی دارد که مظهر آن کمال مطلوبی هستند که دیگران کوشش می‌کنند تا به آن برسند. در فرهنگ یهودی، عالمان یعنی خاخام‌های تلمودی (شاگردان خرد) از این جایگاه برخوردارند. هر یهودی تحقق این کمال مطلوب را در سرمی‌پروراند و اگر خود فاقد صلاحیت باشد این آرزو را به فرزندش منتقل می‌کند. در میان جوامع یهودی، عالمان دینی از جایگاه شاخص و برجسته نخبگان مقبول یعنی کسانی که در تمام زمینه‌ها دارای مزیت و برتری هستند، برخوردارند. در اکثر دوره‌های جوامع یهودی، عالمان و دانش‌آموختگان بر صدر نشستند و قدر دیدند.

اولین و مهم‌ترین شرط عالم بودن، دارا بودن صلاحیت لازم برای تحصیل و درک تورات است. به علاوه، عالم باید به آنچه می‌خواند خود نیز عمل کند. درباره فضایل عالمان، توصیفی بهتر از آنچه در رساله بارائیتا آمده است، وجود ندارد: «تورات بزرگ‌تراز مقام کاهنی و پادشاهی است، چون مقام کاهنی بیست و چهار و پادشاهی مستلزم سی خصلت است، در حالی که تورات چهل و هشت خصلت را [برای کسی که به مطالعه‌اش می‌پردازد] می‌طلبد:

تحصیل شنیداری، تلفظ واضح، درک و بصیرت قلبی، صلابت، وقار، بردباری، شادابی، خدمت کردن به حکیمان، جذب افراد به مدارس علمیه، مباحثه با شاگردان، متانت، علم به کتاب مقدس و میشنا، اعتدال در معاملات، اعتدال در برقراری ارتباط با دنیا، اعتدال در لذت و خواب و گفتار و خندیدن، داشتن شکیبایی، قلب پاک، اعتقاد از روی خرد، پذیرش توبیخ، شناخت جایگاه و موقعیت خود، و این که برای گفته‌های خود حد و حصری قائل شود، ادعای فضل نکند، دوست‌داشتنی باشد، به قادر متعال عشق بورزد، به آدمی محبت کند، عدالت، صداقت و انتقاد دیگران را دوست‌بدارد، از فخر فروشی پرهیزد، به دانش خود نبالد، در تصمیم‌گیری‌ها شرف و طرب به او دست‌نهدد، در شرایط و الزامات با دیگران مدارا کند، با رفیقش برخورد مناسب داشته باشد، حقیقت را به او بنمایاند، او را به سوی صلح و دوستی رهنمون شود، در مطالعاتش به تالیف روی آورد، بپرسد، پاسخ دهد، بشنود و به آن بیفزاید، به قصد تدریس بیاموزد، به قصد عمل کردن فرا گیرد، خود را هر چه بیشتر خردمند سازد، در سخنرانی‌هایش کاملاً هوشیار باشد، در نقل قول‌ها نام گوینده یا مؤلف را ذکر کند.

34. اهمیت تلمود برای قوم یهود

به لحاظ تاریخی، تلمود رکن فرهنگ یهودی است. فرهنگ یهودی در طی قرن‌ها و توسط عالمانی شکل گرفت که نتوانستند از قلمرو نفوذ تلمود پا بیرون نهند. بسیاری از آنها حتی رغبتی به انجام چنین کاری نداشتند. اهمیت تلمود تنها به خاطر این نیست که از یک سطح عقلانی و ادبی برخوردار است؛ تلمود

کاربردهای اجتماعی و تاریخی گسترده‌تری دارد. به لحاظ عقلی، این مسئله مسلم است که اگر توانایی مطالعه و تحقیق در تلمود نمی‌بود، هیچ جامعه یهودی نمی‌توانست مدت زیادی دوام آورد. قدرت تلمود از دو عنصر نشأت می‌گیرد: عنصر اول این است که تلمود ستون فقرات معارف گوناگون یهودی است و اگر این ستون بشکند، ارتباط بقیه اجزا از هم پاشیده می‌شود و بدین سان، هر کسی تنها به جنبه‌هایی توجه می‌کند که باب طبع اوست. عنصر دوم به روش مطالعه منحصر به فرد آن برمی‌گردد. مطالعه تلمود را نمی‌توان به حفظ و به‌خاطر سپردن ماشین‌وار محدود کرد. بلکه مستلزم بازآفرینی و نوآوری مستمر و مشارکت فکری و با انگیزه از سوی طلاب است.

35. تلمود هرگز به اتمام نرسید!

با نگاهی دقیق به تاریخ درمی‌یابیم که تلمود هرگز پایان نیافت؛ هیچ‌گاه به طور رسمی از اتمام آن خبر داده نشد. در مقایسه با کتاب مقدس که مراحل گوناگونی از تالیف و آماده‌سازی برای چاپ را از سر گذراند و سرانجام به اتمام رسید و به طور قطعی اعلام شد که دیگر چیز اضافه‌ای وجود ندارد که بتوان به آن افزود، تلمود این فرایند را طی نکرد. همین قضیه درباره میسنا نیز در روزگار خودش صادق بود. درباره تلمود باید گفت علی‌رغم آن که ویرایش معین و خاصی از تلمود قطعی و بی‌چون و چرا خوانده شد، لکن هیچ‌گاه در اظهارنظری رسمی و عمومی اعلام نشده است که این اثر تکمیل شده است. این ابهام و حتی شاید تعمد در ناتمام خواندن تلمود حاکی از یک فراخوان مستمر برای تداوم عمل خلاق تلمودی است. بر عالم فرض است که بر تلمود چیزی بیفزاید و به کامل شدنش کمک رساند!

برخی از آثار آدین اشتاین سالتز از این قرار است:

1. A Guide to Jewish Prayer.

2. The Talmud, vols. 1-21: The Steinsaltz Edition.

3. in Life Simple Words: Thinking About What Really Matters.

4. Talmudic Images.

5. Teshavah: A Guide for the Newly Observant Jew.

6. The Woman of Valor: Eshet Hayil.

7. On Being Free.

8. Biblical Images.

9. In The Beginning: Discourses on Chasidic Thought.

پی‌نوشتها:

1. Rabbinic Tradition.

2. Rabbinic Judaism.

3. Talmudic Judaism.

Yale	.4
Aleph Society	.5
Oral Law	.6
Mitzvat TalmudTorah	.7
Tofsei Torah	.8
Knesst Gedolah	.9
Zugot	.10
Hasmonean	.11
Simeon ha-Tzadik	.12
Hassidim	.13
Tzedokim	.14
Perushim	.15
Tannaim	.16
Herod	.17
Yohanan Ben Zakkai	.18
R. Eliezer Ben Hyrcanus	.19
R. Joshua Ben Hananiah	.20
R. Yosse ha-Cohen	.21
Seder	.22
R. Judahha-Nasi	.23
Amoraim	.24
R. Abba Ben Ibo	.25
Samuel	.26
Rav	.27
R. Ashi	.28
Zeraim	.29
Moed	.30
Nashim	.31
Nezikin	.32
Kodashim	.33

Toharot	.34
Shemoneh Esreh	.35
Shema Yisrael	.36
Berakhot	.37
Shabbat	.38
Avodaoh	.39
Oneg Shabbat	.40
Meleket Avodah	.41
Roshhodesh	.42
Rosh Hashanah	.43
Pesah	.44
Sukkot	.45
Yom Kippur	.46
Purim	.47
Hannukkah	.48
Binah	.49
Dinei Memonot	.50
Baba Kama	.51
Baba Metzia	.52
Baba Batra	.53
Small Sanhedrin	.54
Great Sanhedrin	.55
Bet Din	.56
Zevah	.57
Day of Atonement	.58
Half-Shekel	.59
Tithe	.60
Hametz	.61
Hulin	.62
Immersion	.63

Mikveh Mayim	.64
Red Heifer	.65
Shurat ha-Din	.66
Derekh Eretz	.67
Daat	.68
Torahha-Sod	.69
Maaseh Bereshit	.70
Maseh Merkava	.71
Kabbalah Masit	.72
Midrash	.73
Darash	.74
Baraitot	.75
Kal va-homer	.76
Gezerah Shavah	.77
Binyan va	.78
Kelal u-Ferat	.79
Davar ha-Lamed me-inyano	.80
Pilpul	.81
Sephardi	.82
Franco-Ashkinazi	.83
Savoraim	.84
Aggadah	.85